

سیر تطور نقوش و فنون آرایه‌های معماری در مساجد تاریخی خراسان از دوره سلجوقی تا دوره صفوی

مقاله پژوهشی (صفحه ۲۰۹-۱۹۰)

محسن طبسی^۱، بهزاد زارعی^۲

۱- دانشیار گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

DOI: 10.22077/NIA.2026.10201.1997

چکیده

نقوش و فنون اجرایی تزئینات معماری در مساجد، به‌طور عام و به‌ویژه در مساجد تاریخی خراسان، علاوه بر جنبه زیبایی‌شناختی، نقش مهمی در القای مفاهیم قدسی و معنوی نیز داشته‌اند. مسئله اصلی تحقیق، عدم وجود شناخت دقیق نقوش و فنون تزئینی است که نه تنها سبب شده حفظ و مرمت آن‌ها با دشواری مواجه شود؛ بلکه امکان بهره‌گیری در طراحی‌های معاصر را نیز ناممکن کرده است. این پژوهش، با هدف تحلیل سیر تحول نقوش و فنون آرایه‌های معماری مساجد خراسان از دوره سلجوقی تا دوره صفوی، تلاش دارد تا نقوش غالب در هر دوره را شناسایی و رابطه آن‌ها با فنون اجرایی هم‌عصر را تبیین کند. بر این اساس، دو پرسش شکل گرفته است: ۱. در ادوار مختلف تاریخی، چه نقوشی بیشترین فراوانی را در مساجد خراسان داشته‌اند؟ ۲. فنون اجرایی به‌کاررفته در آرایه‌های مساجد، چه بوده و فراوانی آن‌ها چگونه بوده است؟ پژوهش حاضر با فرض بر اینکه هر دوره تاریخی، متأثر از شرایط خاص خود، آرایه‌های متفاوتی از نقوش و فنون را ارائه داده و روندی تکاملی یا تغییریافته را در تزئینات مساجد رقم زده، انجام شده است. روش تحقیق از نوع تاریخی-تحلیلی است و داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی، برداشت‌های میدانی و تحلیل آثار موجود گردآوری شده‌اند. از ۵۵ باب مسجد شناسایی شده، ۳۲ باب به‌عنوان حجم نمونه، انتخاب و براساس چهار دوره تاریخی، طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که نقوش هندسی و کتیبه در تمامی ادوار، حضور پررنگی داشته‌اند و تقریباً تمامی نقوش تزئینی، در این دو دسته‌بندی قرار گرفته‌اند؛ هرچند همواره، نقوش هندسی، نقش غالب تزئینی بوده‌اند؛ بدین صورت که در دوره‌های سلجوقی و خوارزمشاهی، نقوش هندسی، نقش غالب بوده‌اند؛ در دوره ایلخانی، فراوانی کتیبه‌ها بیشتر شده و به نقوش هندسی نزدیک شده‌اند؛ در دوره تیموری بار دیگر، استفاده از نقوش هندسی اوج گرفته است و در دوره صفوی، باتوجه به استفاده یکسان از نقوش تزئینی، نقش غالبی مشاهده نمی‌شود. از منظر فنون اجرایی تزئینات، نتایج نشان می‌دهند که میزان استفاده از آجرکاری، گچ‌بری، کاشی‌کاری و سنگ‌کاری در ادوار مختلف تفاوت‌هایی داشته‌اند؛ بدین صورت که در دوره‌های سلجوقی و خوارزمشاهی، آجرکاری فن غالب بوده است؛ در دوره ایلخانی، گچ‌بری و در دوره تیموری، فنون گچ‌بری و کاشی‌کاری، آرایه‌های پرتکرار در مساجد خراسان بوده‌اند. همچنین در این دوره، سنگ‌کاری، به‌عنوان فن نوظهور تزئینی، جایگاهی ویژه پیدا کرده که در دوره صفوی، خود را به‌عنوان آرایه‌ای پرتکرار مطرح می‌کند. در دوره صفوی، باتوجه به استفاده هم‌زمان از تمامی فنون اجرایی، فن غالبی مشاهده نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: تزئینات معماری، نقوش تزئینی، فنون تزئینی، خراسان، مساجد تاریخی.

1- Email: mohsentabassi48@iau.ac.ir

2- Email: behzad.zareei59@gmail.com

مقدمه

بر سنگ نیز با ایجاد کتیبه‌ها و نقوش مذهبی، نقش مهمی در تزئین ورودی و دیوارهای مساجد داشته است. با وجود آنکه خراسان بزرگ منطقه‌ای بسیار گسترده را دربرمی‌گیرد و خاستگاه معماری ایرانی پس از اسلام است و البته مساجد متعدد و گاه منحصر به فردی دارد؛ اما در قیاس با سایر استان‌ها، چندان مورد اقبال پژوهندگان نبوده است. در این مقاله، منظور از مساجد خراسان، مساجد واقع در استان‌های امروزی خراسان رضوی و خراسان جنوبی است؛ زیرا مطالعات انجام شده در خصوص آرایه‌های مساجد این ناحیه بسیار کم است و تاکنون، مطالعه‌ای با رویکرد دوره‌بندی مساجد، به نقوش و فنون تزئینی این مساجد نپرداخته است. دلیل انتخاب دوره تاریخی مطالعه (از سلجوقی تا آخر صفوی) وجود تعداد بیشتر مساجد دارای اهمیت و بعضاً منحصر به فرد از این دوران تاریخی است. روشن است که انجام چنین پژوهشی اهمیت زیادی دارد و بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی نقوش و فنون تزئینی در مساجد خراسان از دوره سلجوقی تا دوره صفوی انجام شده است؛ بدین صورت که نقوش تزئینی را شناسایی و پیوند آن‌ها را با فنون اجرایی تبیین می‌کند.

مبانی نظری تحقیق

الف. نگاه تاریخی

نقوش و فنون تزئینی در مساجد تاریخی خراسان، به‌عنوان مهد نوآوری‌های معماری اسلامی ایران، در گذار تاریخ و تحت تأثیر عوامل مذهبی، فنی، بومی، سیاسی و فرهنگی تحول یافته‌اند. در دوره‌های سلجوقی و خوارزمشاهی (سده‌های پنجم و ششم ه.ق.)، هدف اصلی ساخت مساجد، توسعه نمادهای اسلام بود و به همین سبب، سرعت اجرا اهمیت ویژه‌ای داشت و بدین اعتبار، آجرکاری آرایه غالب آن روزگار شد؛ زیرا آجر ماده‌ای بومی، ارزان و آسان برای شکل‌دهی در اقلیم خشک خراسان بود و بلوک‌های سنگی در اوایل ورود اسلام برای سرعت بخشیدن به ساخت استفاده می‌شدند (Hillenbrand, 1994: 161).

نقوش هندسی پیچیده، مانند ستاره‌های چندپیر و گره چینی، با کتیبه‌های کوفی بنایی در برخی مساجد برای ایجاد فضایی توحیدی به کار رفتند؛ زیرا تحریم صورت‌گری در اسلام که از

معماری ایرانی در دوره اسلامی، هنری است که با خلق فضاهای مقدس، بر پایه اصول زیبایی‌شناسی و مفاهیم ژرف دینی شکل گرفته است و مفهومی فراتر از کالبد صرف بنا دارد؛ در واقع بازتابی از ارزش‌های دینی، فرهنگی و معنوی جامعه به شمار می‌آید؛ جایی که ترکیب نور، فضا و تناسب هندسی دقیق، محیطی را فراهم می‌کند که پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان باشد.

در معماری ایرانی، تعامل میان شکل، عملکرد و معنا، به‌ویژه در مساجد، مشهود است؛ جایی که منطق سازه‌ای و خوانش نمادین، هم‌راستا می‌شوند. در این میان، آرایه‌ها در معماری مساجد نه تنها جنبه زیبایی‌شناختی دارند؛ بلکه به‌منزله واسطه‌ای برای ارتباط معنوی با عالم قدسی تلقی می‌شوند. نقوش تزئینی، از جمله خط و کتیبه‌ها در معماری ایران در دوره اسلامی و به‌ویژه در خراسان، به‌عنوان نخستین خاستگاه شیوه‌های معماری ایرانی پس از اسلام (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۴۸) نقشی برجسته در شکل‌گیری فضای قدسی ایفا می‌کنند. این کتیبه‌ها، افزون بر زیبایی بصری، مفاهیم دینی را نیز به مخاطب منتقل می‌کنند. نقوش هندسی، با ترکیب‌های پیچیده و ساختارهای متقارن، در تزئین دیوارها، گنبد‌ها و ایوان‌ها به کار رفته و از دوره‌ای به دوره دیگر، دگرگونی‌هایی را پشت سر گذاشته‌اند. نقوش گیاهی نیز متشکل از طرح‌هایی چون برگ، گل و شاخه دیده می‌شوند؛ حال آنکه نقوش حیوانی و انسانی در مساجد بسیار محدود بوده‌اند.

برای اجرای این نقوش، فنونی گوناگون چون آجرکاری، گچ‌بری، کاشی‌کاری، حکاکی و منبت‌کاری به کار گرفته شده است. در این میان، آجرکاری در دوره‌های سلجوقی و خوارزمشاهی به اوج خود رسید؛ هنری که با بهره‌گیری از ابزارهای ساده، طرح‌های هندسی و گیاهی را بر سطح آجر ایجاد می‌کرد. در مساجد خراسان، آجرکاری بیشتر در نمای بیرونی و ایوان‌ها دیده می‌شود. گچ‌بری نیز، به‌ویژه در دوران ایلخانی، جایگاهی ممتاز یافت و نقش مهمی در تزئینات داخلی ایفا کرد. کاشی‌کاری، با استفاده از رنگ‌های متنوع و نقوش هندسی، به‌منزله هنری متعالی در تزئین بنا شناخته شد که مفاهیم عرفانی و معنوی را به فضا القا می‌کرد. حکاکی

همراه با فرهنگ خراسانی، معماری را از ساده به غنی تغییر داد (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۵۲).

ب. مبانی نظری

- آرایه‌های معماری ایرانی

آرایه‌های معماری ایرانی، به‌عنوان یکی از ارکان اساسی، همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به هویت بصری و کالبدی بناها داشته‌اند. برخلاف نگرش رایج که تزئینات را امری افزوده و صرفاً زیباساز می‌پندارد، در معماری ایرانی، این عناصر جزئی لاینفک و جدایی‌ناپذیر از ساختار بنا محسوب می‌شوند که بر پایه اصول و قواعدی مشخص و با کارکردی فراتر از زیبایی‌شناسی صرف شکل گرفته‌اند. از مهم‌ترین فنون تزئینات معماری ایرانی، می‌توان به کاشی‌کاری، گچ‌بری و آجرکاری اشاره کرد.

کاشی‌کاری، به‌ویژه در دوره اسلامی، به مهم‌ترین جلوه تزئینی در معماری ایران تبدیل شد. این هنر فراتر از پوشش سطوح، کارکردی حفاظتی در برابر عوامل جوی داشت و با ایجاد پوسته‌ای پایدار، به دوام بیشتر بنا کمک می‌کرد. تکنیک‌های مختلفی، همچون معرق، هفت‌رنگ و مورق در ادوار مختلف به کار گرفته شدند. گچ به دلیل قابلیت شکل‌پذیری بالا و در دسترس بودن، از دیرباز در تزئینات داخلی بناها مورد استفاده قرار گرفته است. این ماده امکان اجرای نقوش بسیار ظریف و پیچیده را فراهم می‌آورد. مقرنس‌های گچی نیز که عمدتاً در فضاهای انتقالی، مانند گوشه‌های زیر گنبد به کار می‌روند، علاوه بر ارزش تزئینی، دارای عملکرد سازه‌ای در انتقال بار از سطحی به سطح دیگر هستند.

آجرکاری را می‌توان یکی از کهن‌ترین و اصیل‌ترین فنون تزئینی در معماری ایران دانست که در آن، خود مصالح سازه‌ای به عنصری تزئینی تبدیل می‌شود. در این روش، با جابه‌جایی آجرها در موقعیت‌های مختلف مانند راسته و کله و استفاده از رنگ‌های طبیعی آجر، نقوش و کتیبه‌های متنوعی خلق می‌شود. فن آجرکاری، گواهی بر نگرش یکپارچه‌نگر معمار ایرانی است که در آن، مرز مشخصی بین عناصر سازه‌ای و تزئینی وجود ندارد؛ اما از منظری دیگر، نقوش تزئینی در معماری ایرانی، فراتر از جلوه‌های بصری صرف، به‌عنوان یک

تصویرگری خلقت الهی پرهیز می‌کرد، معماران را به نقوش انتزاعی سوق داد (Ettinghausen and Grabar, 1987: 12). مذهب تسنن در این دوره، با تأکید بر آیات قرآنی، کتیبه‌های کوفی را تقویت کرد. فرهنگ خراسانی و توانمندی معماران محلی، مساجد دو ایوانی خوارزمشاهی، مانند مسجد جامع گناباد را شکل داد که به دلیل اقلیم گرم و سنت‌های پیشااسلامی، در سایر مناطق ایران کمتر دیده می‌شود (Golombek, 1995: 38-42).

در دوره ایلخانی (قرن هفتم ه.ق.)، گچ‌بری و مقرنس‌کاری تحت تأثیر مغولان افزایش یافت تا عمق فضایی ایجاد کند؛ آجر همچنان بومی بود؛ کاشی اولیه برای رنگ‌آمیزی محدود ظاهر شد و نقوش گیاهی ساده با هندسی ترکیب شدند؛ در حالی که مذهب، همچنان محدودیت تصاویر طبیعی را حفظ کرد (O'Kane, 2006: 21-23). در دوره تیموری (سده‌های هشتم و نهم ه.ق.) کاشی‌کاری معرق به دلیل کیفیت بالای رنگ و مقاومت در برابر فرسودگی اوج گرفت که در مرمت، چندرنگی ایجاد نمی‌کرد. در مسجد گوهرشاد مشهد، نقوش گیاهی پیچیده با پایه هندسی و کتیبه‌های ثلث ترکیب شدند که تحت تأثیر فرهنگ عرفانی و شیعی اولیه تیموری و معماران خراسانی، مانند قوام‌الدین شیرازی بود (Necipoglu, 1995: 147-150). نقوش تزئینی معماری ایرانی - اسلامی، هم در دوره تیموری و هم صفوی، دارای مفاهیم اسلامی و به‌ویژه مفاهیم شیعی هستند و کتیبه‌ها با تأکید بر مفهوم عدل و امامت (اصول مذهب تشیع)، تحولات شیعی را متبلور کردند (طیسی و موسوی، ۱۳۹۵: ۸۷).

در دوره صفوی (سده‌های دهم تا دوازدهم ه.ق.) کاشی‌کاری هفت‌رنگ به دلیل سرعت اجرا و هزینه کمتر، گسترش یافت. کاربرد سنگ‌کاری نیز برای ماندگاری کتیبه‌ها افزایش یافت. رقابت صفویان با عثمانیان برای معرفی امپراتوری شیعی در برابر مساجد اهل سنت عثمانی، تزئینات فاخر و مجلل را تقویت کرد؛ در حالی که مساجد اهل سنت پیشین ساده‌تر بودند (Mellville, 2020: 97). مذهب تشیع با تأکید بر زیارتگاه‌های مشهد، کتیبه‌های ثلث با مضامین شیعی را رواج داد و نقوش حیوانی و انسانی را حذف کرد (Blair, 2006: 23-25) و تحولات سیاسی از سنی به شیعی،

متعددی، تغییرات نقوش هندسی، گیاهی و حیوانی را در بستر معماری اسلامی ایران تحلیل کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال، در سده‌های پنجم و ششم هـ.ق. (دوران سلجوقی) آجرکاری به اوج خود رسید و نقوش هندسی پیچیده، مانند ستاره‌های چندپر در مساجد غالب بودند. در دوره صفوی (سده‌های دهم تا دوازدهم هـ.ق.) کاشی‌کاری هفت‌رنگ و گچ‌کاری، به عناصر برجسته تزئینی بدل شدند. این تحولات، تحت تأثیر عوامل اقلیمی منطقه، مانند نیاز به تنظیم دما از طریق ایوان‌های بلند و تزئینات هماهنگ، شکل گرفته‌اند (Necipoglu, 1995: 98-106).

اولگ گرابار^۱، در کتاب شکل‌گیری هنر اسلامی، بر نقش تزئینات در ایجاد فضای معنوی تأکید کرده و معتقد است که تزئینات معماری اسلامی، به‌ویژه در مساجد، نه تنها زیبایی بصری ایجاد می‌کنند؛ بلکه پلی میان جهان مادی و معنوی هستند و در مناطق مرکزی ایران، این نقوش بازتابی از نظم کیهانی اسلامی‌اند (۱۹۷۳: ۱۹۱-۱۹۲). درک هیل^۲ نیز در تحلیل معماری اسلامی تأکید می‌کند که نقوش هندسی در مساجد، به‌ویژه در دوره سلجوقی، نه تنها کارکردی تزئینی داشتند؛ بلکه نمادی از نظم کیهانی و ارتباط با مفاهیم متافیزیکی بودند. نقوش هندسی در معماری اسلامی، به‌ویژه در مناطق مرکزی ایران، بازتابی از تلاش برای ایجاد هماهنگی میان شکل و معنا هستند (۱۹۷۶: ۲۴).

- رویکرد کالبدی در تحلیل معماری

در این رویکرد، معماری و آرایه‌های آن نه به‌عنوان عناصر منفرد بصری، بلکه به‌عنوان بخشی از یک کلیت کالبدی و فضایی مورد توجه قرار می‌گیرند. در این چهارچوب، نقوش و فنون تزئینی در هماهنگی با شکل و فضای کلی بنا تحلیل می‌شوند؛ تحلیلی که به درک عمیق‌تر از تأثیر تزئینات بر تجربه فضایی کاربران کمک کند. در مساجد دوره سلجوقی، مقرنس‌کاری در ایوان‌ها با شکل کلی بنا هماهنگ است و تجربه فضایی را غنی می‌کند. در دوره صفوی، ادغام نور و رنگ در کاشی‌کاری، فضایی قدسی ایجاد می‌کند. رابرت هیلن‌براند^۳، در مطالعات خود در مورد معماری سلجوقی ایران، بر این باور است که در مساجد سلجوقی، استفاده از آجرکاری و مقرنس، نه تنها ساختاری است؛ بلکه فضایی ایجاد می‌کند که کاربران را به تأمل در وحدت الهی دعوت می‌کند (۱۹۹۴: ۲۱۹-۲۲۲).

زبان تصویری ساختاریافته و نمادین عمل می‌کنند. این نقوش که عمدتاً در سه گروه اصلی هندسی، گیاهی (اسلیمی و ختایی) و کتیبه‌ها دسته‌بندی می‌شوند، بر پایه قواعد و تناسبات دقیق ریاضی و هندسی استوارند و بازتاب‌دهنده جهان بینی و مفاهیم فرهنگی عمیق هستند.

نقوش هندسی که مبتنی بر تکرار واحدهای سازنده ساده، مانند دایره، مربع و مثلث هستند، پیچیده‌ترین شبکه‌های بصری را در معماری ایرانی پدید می‌آورند. این نقوش که عمدتاً در کاشی‌کاری و آجرکاری به کار می‌روند، نمادی از نظم، بی‌پایانی و وحدت در کثرت جهان آفرینش محسوب می‌شوند. این نقوش با مهارت فراوان و براساس محاسبات دقیق ترسیم می‌شدند و توانایی هنرمند در توسعه بی‌پایان یک الگوی واحد از درون خود را به نمایش می‌گذاشتند.

نقوش گیاهی، نماد جهان زنده و در حال رشد هستند. این نقوش با حرکت سیال و پیوسته خود، مفهوم تجدید حیات و روح‌بخشی به ماده بی‌جان را القا می‌کنند. کتیبه‌ها به‌عنوان عنصری کاربردی - تزئینی، نقش انتقال مفاهیم مکتوب را از طریق خطوط مختلف عربی - فارسی، مانند کوفی، ثلث، نسخ و نستعلیق بر عهده دارند. این کتیبه‌ها اغلب حاوی آیات قرآنی، احادیث، نام سازندگان و تاریخ بنا هستند و فضای معماری را به متنی مقدس یا تاریخی تبدیل می‌کنند. کتیبه‌ها اغلب به‌صورت حاشیه‌ای، دور دیوارها، داخل محراب‌ها و بر پیشانی ایوان‌ها قرار می‌گیرند و عنصری کلیدی در خوانش عملکرد و تاریخ یک بنا محسوب می‌شوند.

با این توصیفات، در بررسی و تحلیل تاریخ معماری ایران، به‌ویژه در مطالعه آرایه‌های معماری مساجد تاریخی خراسان (شامل خراسان شمالی، رضوی و جنوبی) رویکردهای متعددی مطرح هستند که می‌توانند به‌روشنی، روند تحول و تکامل این هنر را در دوره‌های مختلف تاریخی آشکار کنند. این رویکردها، نه تنها به ماهیت و انواع تزئینات مربوط می‌شوند؛ بلکه با بسترهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی نیز پیوندی عمیق دارند و عبارت‌اند از:

- تحول در تزئینات معماری

یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعه تزئینات معماری اسلامی، بررسی تحول نقوش و فنون در طول زمان است. پژوهش‌های

- مطالعه تطبیقی در تاریخ معماری اسلامی

در این رویکرد، تحولات معماری مساجد، با توجه به دوره‌های مختلف تاریخی، با یکدیگر مقایسه می‌شوند. این مطالعات به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در آرایه‌ها کمک می‌کند و امکان بررسی تأثیر عوامل فرهنگی، سیاسی و مذهبی را در توسعه هنر معماری فراهم می‌آورد. در مساجد تاریخی خراسان، آجرکاری هندسی در دوره سلجوقی، در مقایسه با کاشی‌کاری در دوره صفوی، گذار از سادگی به پیچیدگی مشهود است. این تحولات، تحت تأثیر حمایت صفویان از تشیع و رونق صوفی‌گری شکل گرفته‌اند (Blair, 2006: 28-29). نجیب‌اوغلو، در کتاب طومار توپکاپی: هندسه و تزئینات در معماری اسلامی، بر هندسه در تزئینات تأکید دارد و معتقد است که نقوش هندسی در معماری اسلامی، ابزارهایی برای بیان مفاهیم زیبایی‌شناختی و نمادین هستند (Necipoglu, 1995: 142-152).

- مفهوم فضا و تأثیر آن بر نقوش و فنون تزئینی

در معماری اسلامی، فضا نه تنها یک بستر عملکردی، بلکه یک عرصه معنایی و فرهنگی نیز به شمار می‌آید. تزئینات، به‌ویژه از طریق ترکیب نقوش، رنگ‌ها و نور، در خلق فضایی قدسی و معنوی، نقش مؤثری ایفا می‌کنند. در مساجد سلجوقی، نقوش هندسی در آجرکاری، فضایی انتزاعی ایجاد می‌کردند؛ در حالی که در دوره صفوی، کاشی‌کاری با رنگ‌های زنده، مانند فیروزه‌ای، نور را بازتاب می‌داد و حس الهی را تقویت می‌کرد (O' Kane, 2006: 176).

- تحلیل تاریخ‌نگارانه تزئینات معماری

در این رویکرد، تاریخ‌نگاری آرایه‌ها به‌عنوان ابزار اصلی برای پی‌بردن به روند تحولات در شیوه‌های تزئینی به کار گرفته می‌شود. تحلیل تغییرات در نقوش، خطوط، مواد و فنون در دوره‌های مختلف، کمک می‌کند تا دلایل فرهنگی، اجتماعی یا مذهبی این تحولات شناسایی شوند. در مساجد، آجرکاری سلجوقی تحت تأثیر محدودیت‌های مذهبی بود؛ در حالی که در دوره صفوی، کاشی‌کاری با نقوش اسلیمی، با رونق تجارت جاده ابریشم و صوفی‌گری هم‌خوانی داشت (Baer, 1992: 122-125). در بررسی تحول تزئینات مساجد تاریخی ایران، می‌توان به نقش کلیدی فنون و نقوش در ایجاد فضای قدسی اشاره کرد. محمدکریم پیرنیا در کتاب شیوه‌های معماری ایرانی

(۱۳۶۹) برای نخستین‌بار، معماری ایران در دوره اسلامی را به شیوه‌های خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی تقسیم می‌کند و تأکید دارد که تزئینات نه تنها سبب ایجاد زیبایی بصری می‌شوند؛ بلکه معانی نمادین و عرفانی را منتقل می‌کنند.

در شیوه رازی، آجرکاری و گچ‌بری به اوج رسیدند؛ نقوش هندسی پیچیده مانند ستاره‌های چندپر و گره‌ها، نمادی از وحدت کیهانی بودند و در مساجد، با کتیبه‌های کوفی بنایی ترکیب شدند تا فضایی انتزاعی و معنوی خلق کنند. در سبک رازی، آجر نه تنها مصالح ساختمانی، بلکه ابزار هنری برای بیان مفاهیم توحیدی است (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۱۵۷). این تحول در خراسان، تحت تأثیر تجارت جاده ابریشم، با ادغام عناصر ترکی - ایرانی همراه بود و گچ‌بری‌های برجسته، تجربه بصری کاربران را غنی می‌کرد. کیانی، در کتاب تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی: تزئینات معماری (۱۳۸۷)، تحول کاشی‌کاری در دوره‌های تیموری و صفوی را تحلیل کرده است و مسجد گوهرشاد مشهد را نمونه‌ای برجسته از ترکیب کاشی‌کاری معرق و رنگ‌های فیروزه‌ای می‌داند که فضایی قدسی و معنوی خلق کرده است (۱۳۸۷: ۲۱۰). او همچنین به نقش فرهنگ شیعی در تکامل کتیبه‌های ثلث در مساجد صفوی اشاره دارد که در خراسان به اوج رسید. این فنون، در خراسان، با کتیبه‌های ثلث ترکیب شدند تا معانی شیعی و عرفانی را برجسته کنند. در دوره صفوی (سبک اصفهانی)، کاشی‌کاری به اوج رسید و نقوش گیاهی و هندسی با رنگ‌های زنده ادغام شدند.

این تحولات در خراسان، با رونق صوفی‌گری هم‌خوانی داشت و نقوش اسلیمی، نمادی از جریان الهی شدند. به‌طور کلی، تزئینات مساجد ایران از سلجوقی تا صفوی، از سادگی هندسی، به پیچیدگی گیاهی گذار کردند و در خراسان، به‌عنوان مهد نوآوری، نقش کلیدی در حفظ هویت اسلامی - ایرانی داشتند.

پیشینه تحقیق

هرچند در منابع مختلف، برخی از مساجد خراسان معرفی و تزئینات آن‌ها، گاه با نمونه‌های دیگر مقایسه شده‌اند و یا به‌صورت کلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، تاکنون پژوهشی

آن‌ها را براساس سال اجرا، موقعیت مکانی، مضمون، نوع خط و جنس کتیبه (فن تزئینی اجراشده)، از دوره تیموری تا پهلوی، دسته‌بندی کرده‌اند. صابرمقدم (۱۴۰۱) در «واکاوی کتیبه نوپافته مسجد کرمانی (مجموعه آرامگاهی شیخ احمد جام)»، ساختار معماری و عناصر تزئینی مسجد را معرفی کرده و با استناد به محراب و کتیبه نوپافته، به گاه‌نگاری تطبیقی این مسجد پرداخته است. وی عناصر تزئینی و آرایه‌های مسجد را به تفکیک و با جزئیات، دسته‌بندی کرده است.

از دیگر نمونه‌های مساجد قبل ایلخانی، می‌توان به مسجد فرومد اشاره کرد که منصوری و دیگران (۱۴۰۰) در «سیر تحول مسجد جامع فرومد با تأکید بر افزوده‌های دوره ایلخانی»، به تحلیل روند تحول آن پرداخته‌اند. این مسجد در ابتدا در دوره سلجوقی ساخته شده و در دوره ایلخانی مورد بازسازی و تزئین مجدد قرار گرفته است. به همین دلیل، در پژوهش حاضر، این مسجد در هر دو دوره تاریخی بررسی شده است. فرامرزی و دیگران (۱۳۹۹) در «بررسی کتیبه‌های حکومتی شمال شرق ایران در دوره صفوی با تأکید بر موضوعات اجتماعی و اقتصادی (مطالعه موردی: نیشابور، سبزوار، تربت جام و مشهد)»، به تحلیل کتیبه‌های موجود در مساجد جامع نیشابور و سبزوار، مقبره قاسم انوار در تربت جام، مدرسه علمیه عباسقلی خان و کاروانسرای شاهرودی خان مشهد پرداخته‌اند. آن‌ها ۹ کتیبه را شناسایی و از نظر موضوعی دسته‌بندی کرده‌اند. شیخی و خلوصی‌راد (۱۳۹۸) در «مطالعه کتیبه‌ها و آرایه‌های تزئینی مسجد جامع خوارزمشاهی گناباد»، به بررسی نقوش و فنون تزئینی ایوان‌ها، محراب‌ها و سردر ورودی مسجد پرداخته‌اند. ایشان ضمن اشاره به تعداد کتیبه‌ها، تناسب حروف با نوارهای کتیبه، آرایش آن‌ها، فاصله حروف، نقش حروف عمودی، نوع خط و شکل نوشتار را تحلیل کرده‌اند.

حسینی (۱۳۹۳) در دو جلد کتاب مساجد تاریخی خراسان، به صورت جامع، به معرفی این مساجد پرداخته و ضمن ارائه اطلاعات دقیق، به نقوش و فنون تزئینی و محل قرارگیری آن‌ها نیز اشاره کرده است. همچنین لباف خانیکی و صابرمقدم (۱۳۸۵) در کتاب مساجد خراسان: از آغاز تا دوران معاصر، این مساجد را به شکل اجمالی معرفی و توصیفی کلی از تزئینات آن‌ها ارائه کرده‌اند. منابع اخیر، از جمله معدود

مستقل و تخصصی به‌طور ویژه بر تزئینات این مساجد متمرکز نبوده است.

زینلیان و دیگران (۱۴۰۳) در پژوهشی با رویکرد تفسیری - تاریخی، با عنوان «سیر تحول کالبدی - فضایی آرامگاه - مسجد در خراسان بزرگ»، به بررسی این نوع بناها براساس دسته‌بندی زمانی، از خلافت عباسی تا دوران قاجار پرداخته‌اند؛ هر چند در این مطالعه، به نقوش و فنون تزئینی اشاره نشده است. زمانی و اکبری (۱۴۰۲) در «ساختارمندی معماری مساجد سنتی خراسان بزرگ در تمدن اسلامی برمبنای تحلیل عوالم سه‌گانه در عصر سلجوقیان تا صفویان (قرن ششم تا یازدهم)»، به ساختار فضایی برخی از مساجد سنتی پرداخته و آن‌ها را براساس سه عالم ماده، خیال و معنا تحلیل کرده‌اند. در این پژوهش، به هفت مسجد ساخته‌شده در این بازه تاریخی اشاره شده است. اسمعیلی جلودار و دیگران (۱۴۰۲) در «منظر فرهنگی تون / فردوس در اواخر دوره ساسانی و صدر اسلام براساس تفسیر بافت تاریخی و باستان‌شناختی آن»، به تحلیل منابع نوشتاری مربوط به مسجد جامع فردوس در منطقه تاریخی تون پرداخته‌اند. کاکوئی و حاج‌محمدحسینی (۱۴۰۲) در «تحلیل موازین خوش‌نویسی در کتیبه کوفی تزئینی مسجد گنبد سنگان»، به معرفی خط، متن و تزئین یک کتیبه پرداخته و آن را براساس اصول دوازده‌گانه خوش‌نویسی تحلیل کرده‌اند؛ اما سایر کتیبه‌های مسجد را بررسی نکرده‌اند. کاظم‌پور و دیگران (۱۴۰۲) در «مطالعه و واکاوی نقش‌مایه‌های آجری در مسجد - مدرسه ملک‌زوزن شهرستان خواف»، به معرفی تزئینات آجری بنا پرداخته و نقوش را واکاوی و آنالیز کرده‌اند و در ادامه، به بازطراحی و بازسازی آن‌ها پرداخته‌اند. راشدنیا و صالحی کاخکی (۱۴۰۲) در «وارسی محراب‌های گچ‌بری مسجد کرمانی تربت جام و تاریخ‌گذاری آن‌ها»، به بررسی تزئینات گچ‌بری محراب‌های مسجد کرمانی از مجموعه شیخ‌احمد جام پرداخته و آن‌ها را با نمونه‌های مشابه، مقایسه و تحلیل کرده‌اند. شایان‌ذکر است که این مجموعه - به جز مسجد نو که در دوره تیموری بنا شده - متعلق به دوره ایلخانی است. سام‌خانی و دیگران (۱۴۰۲) در «معرفی و تحلیل کتیبه‌های مسجد جامع قائن»، به تحلیل موضوعی و ادبی کتیبه‌های این مسجد پرداخته و

نوع کاربرد آن‌ها در فضاهای مختلف مسجد و ارتباط آن‌ها با دوره تاریخی ساخت یا بازسازی بنا مورد توجه قرار گرفته‌اند. تحلیل داده‌ها برپایه تحلیل محتوای کیفی انجام شده و ترکیب آن با مستندات تصویری، امکان شناخت دقیق‌تر ویژگی‌های بصری و مفهومی تزئینات را فراهم کرده است.

جامعه آماری تحقیق، ۵۵ باب مسجد شناسایی شده در استان‌های خراسان است که از میان آن‌ها تعداد ۳۲ باب به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند (جدول ۱ و تصاویر ۱ و ۲). دلایل حذف ۲۳ باب از سیاهه مساجد عبارت‌اند از: ۱. کم بودن تزئینات در مسجد (کمتر از سه نقش و فن تزئینی)؛ ۲. نبود مدارک و مستندات کافی برای تحلیل و ۳. مساجد ساخته شده در ادوار متأخر (افشاریه، زندیه و قاجاریه). همچنین، مسجد گوهرشاد مشهد به دلیل جایگاه ممتاز و وسعت و تنوع بسیار زیاد تزئینات، در این پژوهش گنجانده نشده است تا تمرکز روی نمونه‌های کمتر بررسی شده باشد.

سی و دو باب مسجد برگزیده از نظر پراکندگی تاریخی عبارت‌اند از: ۹ باب از دوره سلجوقی - خوارزمشاهی (به‌علت عدم اطلاعات کافی از سال دقیق ساخت بنای اصلی در برخی از مساجد قبل دوره ایلخانی، تمامی مساجد سلجوقی و خوارزمشاهی در یک دوره قرار گرفته‌اند). در خصوص مسجد بالاسر مشهد ذکر این نکته ضروری است که اصل این مسجد به ادوار پیش از غزنویان بازمی‌گردد؛ ولی تزئینات موجود در آن متأخر و به سبک دوره تیموری است؛ ۳ باب از دوره ایلخانی؛ ۱۵ باب از دوره تیموری و در نهایت ۵ باب از دوره صفوی.

لازم به توضیح است که، مساجد دارای تزئینات متعلق به دوره‌های مختلف تاریخی و یا دارای تزئینات مرمتی در دوره‌های تاریخی بعد از ساخت بنای اولیه، در تمام این دوره‌ها بررسی شده‌اند. در تحلیل آماری، تنها نقوش تزئینی‌ای که به‌صورت مجزا و مستقل اجرا شده‌اند، محاسبه شده و در مواردی که یک فن تزئینی شامل چند نقش بوده و یا به‌صورت قرینه اجرا شده، تنها یک‌بار به‌عنوان فن تزئینی در نظر گرفته شده است. همچنین در مواردی که دو فن هم‌زمان برای اجرای نقش یا تزئین به کار برده شده، هر دو فن در فراوانی محاسبه شده‌اند.

کتاب‌های مرتبط با موضوع پژوهش هستند و به‌علت نبود منابع روزآمد، مورداستفاده قرار گرفته‌اند.

مرور پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه در برخی مباحث همچون کالبد معماری و ساختارهای فضایی مساجد، کتیبه‌ها و فنون خوش‌نویسی مرتبط، نقش‌مایه‌های آجری و گچ‌بری‌ها مقالات ارزشمندی نوشته شده است؛ اما در اغلب مقالات، نگاه پژوهشگران صرفاً بر یک مسجد یا یک دوره یا یک تکنیک تزئینی متمرکز بوده و با نگاهی جامع به همه نقوش، فنون و تحول آن‌ها (به تفکیک) در طی اعصار تاریخی تمرکز نداشته‌اند. پژوهش حاضر سعی در پرکردن خلاءهای تحقیقاتی مذکور دارد؛ با این توضیح که در این مطالعه، فقط تزئینات غیرمنقول، مانند نقوش دیواری، کتیبه‌ها و فنون وابسته به ساختار بنا مورد بررسی قرار گرفته‌اند و آرایه‌های موجود در اشیای منقول مانند درها، منبرها یا تابلوها، در دسته‌بندی این مطالعه لحاظ نشده‌اند.

روش انجام پژوهش و معرفی نمونه‌ها








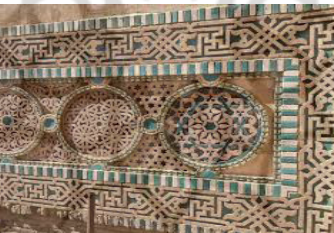
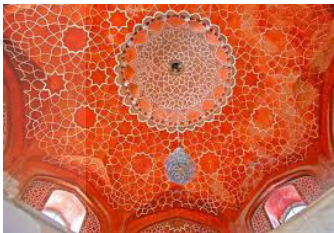
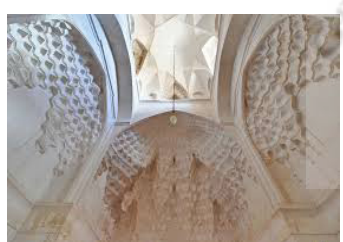
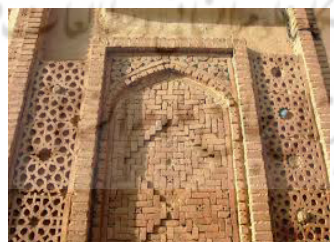
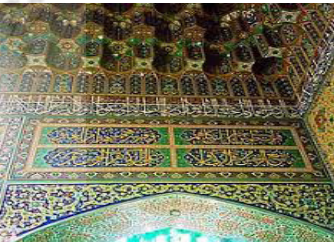
پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. در ادوار مختلف تاریخی، چه نقوشی بیشترین فراوانی را در مساجد خراسان داشته‌اند؟ ۲. فنون اجرایی به‌کاررفته در تزئینات این مساجد، چه بوده و فراوانی آن‌ها چگونه بوده است؟ روش پژوهش حاضر از نوع تحلیلی-تاریخی است که با تمرکز بر روند تحولات نقوش و فنون تزئینی در مساجد خراسان، از دوره سلجوقی تا دوره صفوی، طراحی شده است. این رویکرد ترکیبی از تاریخ، مشاهده مستقیم کالبد بناها و مقایسه تطبیقی آن‌ها را شامل می‌شود. در مرحله نخست، مطالعه منابع مکتوب و اسناد تاریخی انجام شده است. این منابع شامل متون تخصصی معماری اسلامی، سفرنامه‌ها، و اسناد فرهنگی - سیاسی دوره‌های موردنظر بوده‌اند. هدف از این مرحله، شناسایی زمینه‌های تاریخی و فرهنگی مؤثر بر تزئینات معماری بوده است.

در مرحله دوم، با تکیه بر مشاهده کالبدی و تحلیل تطبیقی، ویژگی‌های آرایه‌های معماری در مساجد منتخب بررسی شده‌اند. در این فرایند، فراوانی و تنوع نقوش و فنون تزئینی،

جدول ۱. نمونه‌های مورد مطالعه (نگارندگان، ۱۴۰۴)


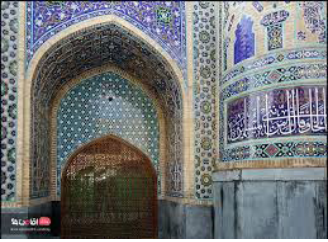




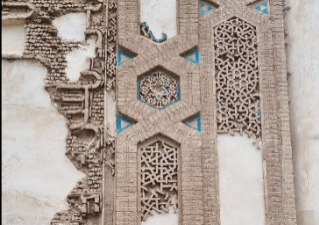
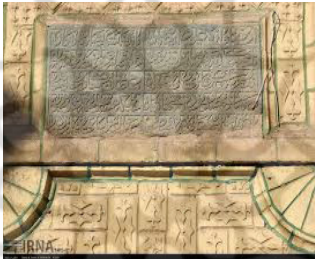

ردیف	مسجد	دوره تاریخی	شماره ثبت	تاریخ ثبت
۱	بالاسر مشهد	سلجوقی / خوارزمشاهی	۳۳۴	۱۳۱۸/۱۱/۲۰
۲	جامع سنگان	سلجوقی / خوارزمشاهی	۱۹۲۶	۱۳۷۶/۰۷/۲۰
۳	جامع فردوس	سلجوقی / خوارزمشاهی	۱۲۲۲	
۴	جامع گناباد	سلجوقی / خوارزمشاهی	۳۲۵	۱۳۱۸/۱۱/۲۰
۵	فرومد سبزوار	سلجوقی / خوارزمشاهی		
۶	گنبد سنگان	سلجوقی / خوارزمشاهی	۳۶۰	
۷	ملک‌زوزن	سلجوقی / خوارزمشاهی	۳۴۰	
۸	میان‌ده بشرویه	سلجوقی / خوارزمشاهی	۵۹۰۸	۱۳۸۱/۰۵/۰۸
۹	هندوالان درمیان	سلجوقی / خوارزمشاهی	۱۸۹۳	۱۳۷۶/۰۵/۱۱
۱۰	آق قلعه جوین	ایلخانی	۲۰۳۳	۱۳۷۷/۰۳/۳۰
۱۱	خسروشیر جوین	ایلخانی	۲۰۹۳	۱۳۸۷/۰۵/۲۷
۱۲	مجموعه شیخ احمد جام	ایلخانی	۱۷۴	۱۳۱۰/۱۰/۱۵
۱۳	ازغد	تیموری	۱۶۹۷	۱۳۶۴/۰۹/۱۷
۱۴	جامع افین	تیموری	۲۱۸۲	
۱۵	جامع بجستان	تیموری	۴۵۰۲	۱۳۸۰/۰۹/۰۵
۱۶	جامع جاجرم	تیموری	۱۵۸۰	۱۳۵۶/۱۱/۰۳
۱۷	جامع خواف (رود)	تیموری	۱۹۲۷	۱۳۷۶/۰۷/۲۰
۱۸	جامع رشتخوار	تیموری		
۱۹	جامع سبزوار	تیموری	۱۳۱۶	۱۳۵۵/۱۰/۲۷
۲۰	جامع سراپان	تیموری	۸۷۳۴	
۲۱	جامع قائن	تیموری	۲۹۵	۱۳۱۶/۰۹/۲۹
۲۲	جامع مرندیز	تیموری	۱۱۰۵۶	۱۳۸۳/۰۵/۱۷
۲۳	جامع نیشابور	تیموری	۳۱۷	۱۳۱۷/۰۸/۲۱
۲۴	روستای گل	تیموری	۹۳۰۳	۱۳۸۲/۰۵/۰۷
۲۵	مولانا زین‌الدین تابیاد	تیموری	۳۰۹	۱۳۱۶/۰۹/۲۹
۲۶	مسجدشاه (۷۲ تن)	تیموری	۱۸۶	۱۳۱۱/۰۴/۱۸
۲۷	قطب‌الدین حیدر	تیموری	۱۷۵	۱۳۱۰/۱۰/۱۵
۲۸	پایین‌خیابان مشهد	صفوی		
۲۹	جامع چشم	صفوی	۱۹۸۶	۱۳۷۷/۰۱/۱۶
۳۰	جامع درخش	صفوی	۲۰۶۶	۱۳۷۷/۰۴/۲۹

ردیف	مسجد	دوره تاریخی	شماره ثبت	تاریخ ثبت
۳۱	سه قلعه	صفوی		
۳۲	مزار صخره ای بجستان	صفوی	۸۲۵۰	۱۳۸۲/۰۱/۲۴

			خط و کتیبه
مسجد جامع درخش	مزار مولانا زین الدین تایباد	مسجد جامع فرومد	
			نقوش هندسی و گیاهی
مجموعه شیخ احمد جام	مسجد شاه مشهد	مسجد جامع گناباد	
			نقوش هندسی و گیاهی
مسجد جامع نیشابور	مسجد ملک روزن	مسجد قطب الدین حیدر	
			نقوش هندسی و گیاهی
مجموعه شیخ احمد جام	مسجد جامع گناباد	مسجد بالاسر مشهد	

تصویر ۱. برخی از نقوش تزئینی در مساجد مورد مطالعه (بایگانی اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان رضوی)

بخشی از تصاویر مورد استفاده از بایگانی ادارات کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی گردآوری شده اند. تصاویر بیشتری از تمامی مساجد موجود است که پژوهشگران، می توانند با ارسال رایانامه به نویسنده مسئول، دریافت نمایند.

		
مسجد جامع فرومد	مسجد شاه مشهد	مسجد جامع گناباد
		
مسجد جامع سرایان	مسجد بالاسر مشهد	مسجد قطب الدین حیدر
		
مسجد ملک زوزن	مسجد جامع نیشابور	مزار مولانا زین الدین

تصویر ۲. برخی از فنون اجرایی تزئینی در مساجد مورد مطالعه (بایگانی اداره کل میراث فرهنگی استان خراسان رضوی)

یافته‌های پژوهش

الف. نقوش تزئینی

داشته‌اند و اگرچه در دوره‌های پیشین، ردپایی از آن‌ها مشاهده می‌شود؛ اما به‌مرور و در دوره‌های تیموری و صفوی به حداقل فراوانی خود می‌رسند. نقوش انسانی نیز عملاً در هیچ‌یک از دوره‌ها جایگاهی ندارند که این امر ناشی از محدودیت‌های مذهبی و شرعی بوده است. در دوره صفوی، گرایش به ایجاد تعادل میان کتیبه‌نویسی و نقوش هندسی مشهود است و برخلاف دوره‌های پیشین که نقوش هندسی، آرایه غالب بودند، در این دوره به نظر می‌رسد که تلاشی آگاهانه برای جلوگیری از سلطه یک نقش خاص صورت گرفته است (جدول‌های ۲ تا ۵).

بررسی نقوش تزئینی در مساجد تاریخی خراسان، از دوره سلجوقی تا پایان دوره تیموری، نشان می‌دهد که نقوش هندسی بیشترین فراوانی را در میان سایر نقوش داشته‌اند و در تمام دوره‌های مورد مطالعه، نقوش غالب بوده‌اند. در کنار آن، خط و کتیبه نیز جایگاهی پایدار داشته و به‌عنوان آرایه مکمل، به اندازه قابل توجهی به کار رفته‌اند. در مقابل، نقوش گیاهی و حیوانی حضور بسیار محدود

جدول ۲. نقوش تزئینی مساجد خراسان در دوره‌های قبل ایلخانی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	نام مسجد	خط و کتیبه	هندسی	گیاهی / حیوانی	انسانی	توضیحات
۱	بالاسر مشهد	۱۵	۸	-	-	
۲	جامع سنگان	۲	۱۲	۳	-	

ردیف	نام مسجد	خط و کتیبه	هندسی	گیاهی / حیوانی	انسانی	توضیحات
۳	جامع فردوس	-	۶	۱	-	
۴	جامع گناباد	۱	۴	۲	-	ساخت در دو دوره تاریخی
۵	فرومد سبزواری	۷	۱۴	۱	-	ساخت در دو دوره تاریخی
۶	گنبد سنگان	۴	۵	۲	-	
۷	ملک زوزن	۱۴	۳۵	۲	-	
۸	میان ده بشرویه	۲	۳	-	-	
۹	هندوالان درمیان	۱	۴	-	-	
فراوانی		۴۶	۹۱	۱۱	-	مجموع فراوانی: ۱۴۸

جدول ۳. نقوش تزئینی مساجد خراسان در دوره ایلخانی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	نام مسجد	خط و کتیبه	هندسی	گیاهی / حیوانی	انسانی	توضیحات
۱	آق قلعه جوین	۱	۲	-	-	
۲	خسروشیر جوین	۳	۴	-	-	
۳	مجموعه شیخ احمد جام	۲۴	۲۲	۵	-	
۴	جامع گناباد	۶	۱۴	۲	-	ساخت در دو دوره تاریخی
۵	فرومد سبزواری	۲	۳	-	-	ساخت در دو دوره تاریخی
فراوانی		۳۶	۴۵	۷	-	مجموع فراوانی: ۸۸

جدول ۴. نقوش تزئینی مساجد خراسان در دوره تیموری (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	نام مسجد	خط و کتیبه	هندسی	گیاهی / حیوانی	انسانی	توضیحات
۱	ازغد	۴	۲	-	-	
۲	جامع افین	۴	۳	-	-	
۳	جامع بجنستان	۱	۲	-	-	
۴	جامع جاجرم	۳	۴	۱	-	
۵	جامع خواف (رود)	۱	۱۳	۱	-	
۶	جامع رشتخوار	۲	۷	-	-	
۷	جامع سبزواری	۱۱	۱۶	۱	-	
۸	جامع سراپان	۱	۷	-	-	
۹	جامع قائن	۱	۱	-	-	
۱۰	جامع مرندیز	۱	۳	-	-	
۱۱	جامع نیشابور	۳	۱۳	-	-	
۱۲	روستای گل خوسف	۱	۵	-	-	

ردیف	نام مسجد	خط و کتیبه	هندسی	گیاهی / حیوانی	انسانی	توضیحات
۱۳	مولانا زین الدین تائباد	۸	۱۲	۱	-	
۱۴	مسجد شاه مشهد	۲۱	۱۹	-	-	
۱۵	قطب الدین حیدر	-	۱۰	-	-	
۱۶	مجموعه شیخ احمد جام	۲	۵	-	-	ساخت در دو دوره تاریخی
فراوانی		۶۴	۱۲۲	۴	-	مجموع فراوانی: ۱۹۰

جدول ۵. نقوش تزئینی مساجد خراسان در دوره صفوی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	نام مسجد	خط و کتیبه	هندسی	گیاهی / حیوانی	انسانی	توضیحات
۱	پایین خیابان مشهد	۹	۹	-	-	
۲	جامع چشم	۱	۳	-	-	
۳	جامع درخش	۱	۷	-	-	
۴	سه قلعه	-	۲	-	-	
۵	صخره ای بجستان	۱	-	-	-	
۶	جامع بجستان	۱	-	-	-	مرمت شده در دوره صفوی
۷	جامع سبزواری	۵	-	-	-	مرمت شده در دوره صفوی
۸	جامع فردوس	-	۱	-	-	مرمت شده در دوره صفوی
۹	جامع قائن	۴	۸	-	-	مرمت شده در دوره صفوی
۱۰	جامع گناباد	۱	۳	۱	-	مرمت شده در دوره صفوی
۱۱	جامع نیشابور	۲	-	-	-	مرمت شده در دوره صفوی
۱۲	روستای گل خوسف	۲	-	-	-	مرمت شده در دوره صفوی
۱۳	قطب الدین حیدر	۴	-	-	-	مرمت شده در دوره صفوی
۱۴	میان ده بشرویه	۱	-	-	-	مرمت شده در دوره صفوی
فراوانی		۳۲	۳۳	۱	-	مجموع فراوانی: ۶۶

ب. فنون تزئینی

بررسی فنون تزئینی در مساجد خراسان نشان می‌دهد که در هر دوره تاریخی، بسته به شرایط اجتماعی، فناوری‌های در دسترس و گرایش‌های زیبایی‌شناختی، فنون خاصی برجسته شده است. در دوره‌های سلجوقی - خوارزمشاهی، آجرکاری نیمه از فنون تزئینی را شامل می‌شود و فن اصلی تزئیناتی است؛ به‌ویژه در نمای بیرونی مساجد. استفاده کمتر از گچ و کاشی در این دوره‌ها، احتمالاً بازتابی از اولویت‌های سازه‌ای، کارکردی یا زیبایی‌شناختی متفاوت است و نشانه‌ای

از سنگ‌کاری در تزئینات این دوره‌ها مشاهده نمی‌شود. در دوره ایلخانی، گچ‌بری با فراوانی بیشتری به کار می‌رود و به فن مسلط در تزئینات داخلی بدل می‌شود. آجرکاری با کاهش محسوس، همچنان وجود دارد؛ ولی نقش کم‌رنگ‌تری نسبت به دوره‌های پیشین ایفا می‌کند. حفظ کاشی‌کاری نیز نشان می‌دهد که این فن هنوز جایگاهی ویژه در معماری دارد؛ اگرچه به‌شدت از فراوانی آن کاسته شده است. نخستین نشانه‌های سنگ‌کاری در تزئینات، در این دوره ظاهر می‌شود؛ هر چند هیچ‌گاه تا دوره‌های بعدی، نقش غالب نمی‌یابد.

آرایه‌گران در دوره صفوی، سعی در ایجاد ترکیبی متعادل و کامل از تکنیک‌های تزئینی داشته‌اند. آجر، کاشی و گچ با نسبت بسیار نزدیکی به کار رفته‌اند و استفاده از سنگ، پس از ظهور در دوره ایلخانی، به یک‌باره اوج می‌گیرد. به‌طور کلی، روند تحول فنون تزئینی در دوره‌های مورد بررسی، از تمرکز بر یک فن خاص، به‌سوی تعادل و تنوع در انتخاب مصالح و روش‌ها حرکت کرده است (جدول‌های ۶ تا ۹).

در دوره تیموری، کاشی‌کاری به‌طور قابل توجهی گسترش می‌یابد و بدل به فن برجسته‌تری می‌شود. این کاشی‌ها، به‌ویژه در گنبدها، ایوان‌ها و سردرهای مساجد، در ابعاد وسیع و با تنوع رنگی زیاد اجرا می‌شوند. گچ‌کاری با افول نسبت به دوره پیشین، همچنان جایگاه ویژه خود را نسبت به سایر فنون، حفظ می‌کند. همچنین سنگ‌کاری در این دوره رشد چشم‌گیری می‌یابد و در تزئینات ساختاری نمایان می‌شود.

جدول ۶. فنون تزئینی مساجد خراسان در دوره‌های قبل ایلخانی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	نام مسجد	آجرکاری	کاشی‌کاری	گچ‌کاری	سنگ‌کاری	توضیحات
۱	بالاسر مشهد	-	۱۹	۴	-	
۲	جامع سنگان	۱۶	۱	۳	-	
۳	جامع فردوس	۶	-	۴	-	
۴	جامع گناباد	۷	-	۲	-	ساخت در دو دوره تاریخی
۵	فرومد سبزوار	۷	۴	۱۹	-	ساخت در دو دوره تاریخی
۶	گنبد سنگان	۷	-	۴	-	
۷	ملک‌زوزن	۵۴	۱۱	۶	-	
۸	میان‌ده بشرویه	۳	-	۲	-	
۹	هندوالان درمیان	۳	-	۵	-	
فراوانی		۱۰۳	۳۵	۴۹	-	مجموع فراوانی: ۱۸۷

جدول ۷. فنون تزئینی مساجد خراسان در دوره ایلخانی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	نام مسجد	آجرکاری	کاشی‌کاری	گچ‌کاری	سنگ‌کاری	توضیحات
۱	آق‌قلعه جوبین	۱	-	۳	-	
۲	خسروشیر جوبین	۲	-	۷	-	
۳	مجموعه شیخ احمد جام	۱	۳	۴۶	-	
۴	جامع گناباد	۱۸	۱	۸	-	ساخت در دو دوره تاریخی
۵	فرومد سبزوار	-	-	۵	-	ساخت در دو دوره تاریخی
فراوانی		۲۲	۴	۶۹	-	مجموع فراوانی: ۹۵

جدول ۸. فنون تزئینی مساجد خراسان در دوره تیموری (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	نام مسجد	آجرکاری	کاشی‌کاری	گچ‌کاری	سنگ‌کاری	توضیحات
۱	ازغد	-	-	۱	۵	
۲	جامع افین	۵	-	۸	-	
۳	جامع بجستان	۱	-	۲	۱	

ردیف	نام مسجد	آجرکاری	کاشی کاری	گچ کاری	سنگ کاری	توضیحات
۴	جامع جاجرم	-	۶	۲	-	
۵	جامع خواف (رود)	۷	۱	۷	-	
۶	جامع رشتخوار	۳	-	۶	-	
۷	جامع سبزوار	۳	۱۷	۸	-	
۸	جامع سراپان	۱	-	۹	-	
۹	جامع قائن	۲	-	۱	۱	
۱۰	جامع مرندیز	۲	-	۳	۱	
۱۱	جامع نیشابور	۳	-	۱۰	۳	
۱۲	روستای گل خوسف	-	-	۶	-	
۱۳	مولانا زین الدین تایباد	۴	۱۱	۱	۶	
۱۴	مسجد شاه مشهد	۱	۳۵	۴	-	
۱۵	قطب الدین حیدر	۱	-	۱۰	-	
۱۶	مجموعه شیخ احمد جام	۲	۳	۴	-	ساخت در دو دوره تاریخی
فراوانی		۳۵	۷۳	۸۲	۱۷	مجموع فراوانی: ۲۰۷

جدول ۹. فنون تزئینی مساجد خراسان در دوره صفوی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	نام مسجد	آجرکاری	کاشی کاری	گچ کاری	سنگ کاری	توضیحات
۱	پایین خیابان مشهد	-	۱۲	۷	-	
۲	جامع چشم	۲	-	۱	۱	
۳	جامع درخش	-	-	۴	۱	
۴	سه قلعه	۴	-	-	-	
۵	صخره ای بجستان	۲	-	-	۱	
۶	جامع بجستان	-	-	-	۱	مرمت شده در دوره صفوی
۷	جامع سبزوار	۱	۵	-	۵	مرمت شده در دوره صفوی
۸	جامع فردوس	۲	۱	۱	-	مرمت شده در دوره صفوی
۹	جامع قائن	-	-	۴	۴	مرمت شده در دوره صفوی
۱۰	جامع گناباد	۴	-	۵	-	مرمت شده در دوره صفوی
۱۱	جامع نیشابور	۱	-	-	۲	مرمت شده در دوره صفوی
۱۲	روستای گل خوسف	-	-	۱	۱	مرمت شده در دوره صفوی
۱۳	قطب الدین حیدر	-	-	-	۴	مرمت شده در دوره صفوی
۱۴	میان ده بشرویه	-	-	-	۱	مرمت شده در دوره صفوی
فراوانی		۱۶	۱۸	۲۵	۲۱	مجموع فراوانی: ۸۰

تحلیل یافته‌ها

تحولات نقوش و فنون تزئینی در مساجد خراسان، از دوره سلجوقی تا دوره صفوی، بازتابی از دگرگونی‌های عمیق در نگرش‌های مذهبی، فرهنگی و هنری این منطقه است. این تغییرات، نه تنها در سطح فنی و زیبایی‌شناختی، بلکه در سطح مفهومی و معنایی نیز رخ داده‌اند؛ به بیان دیگر، تحول در معماری تزئینی مساجد را می‌توان آینه‌ای از تحول در روح زمانه آن‌ها دانست.

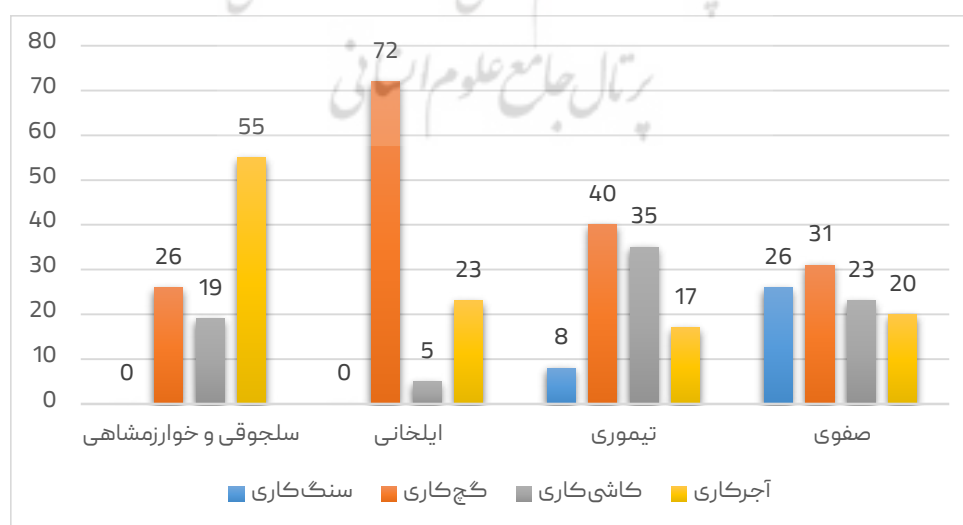
الف. نقوش تزئینی

یافته‌های پژوهش برپایه داده‌های گردآوری شده از مساجد تاریخی خراسان، روند تحول نقوش و فنون تزئینی را از دوره سلجوقی تا صفوی آشکار می‌کنند. در بررسی نقوش تزئینی، غلبه نقوش هندسی در تمام دوره‌ها مشهود است که نشان‌دهنده تأکید پایدار بر نمادگرایی توحیدی و کیهانی

در معماری اسلامی است و این الگو در دوره‌های سلجوقی / خوارزمشاهی و تیموری به اوج خود می‌رسد؛ درحالی‌که در دوره ایلخانی اندکی تعدیل می‌شود. خط و کتیبه به‌عنوان دومین نقش غالب، افزایش تدریجی را در دوره ایلخانی تجربه می‌کند که با تمرکز بیشتر بر جنبه‌های مذهبی و آموزشی در دوره‌های بعدی هم‌خوانی دارد و البته در دوره تیموری از شدت آن کاسته می‌شود. نقوش گیاهی کاهش قابل‌توجهی نشان می‌دهند که ممکن است ناشی از محدودیت‌های مذهبی برای اجتناب از تصاویر طبیعی باشد؛ درحالی‌که نقوش انسانی کاملاً غایب هستند. این تحول کلی از تمرکز بر نقوش هندسی در دوره‌های پیشین، به تعادل میان خطاطی و نقوش هندسی در دوره صفوی، گذار از سادگی به پیچیدگی معنایی را برجسته می‌کند و در خراسان به‌عنوان منطقه‌ای با تأثیرات فرهنگی متنوع، این الگوها بیشتر به‌صورت انتزاعی و نمادین ظاهر شده‌اند (جدول ۱۰ و تصویر ۳).

جدول ۱۰. درصد فراوانی نقوش تزئینی مساجد خراسان براساس دوره‌های تاریخی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	دوره تاریخی	خط و کتیبه		هندسی		گیاهی / حیوانی		انسانی	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱	قبل ایلخانی (سلجوقی / خوارزمشاهی)	۳۱٪	۹۱	۶۲٪	۱۱	۷٪	۰	۰٪	۰
۲	ایلخانی	۴۱٪	۴۵	۵۱٪	۷	۸٪	۰	۰٪	۰
۳	تیموری	۳۴٪	۱۲۲	۶۴٪	۴	۲٪	۰	۰٪	۰
۴	صفوی	۴۹٪	۳۳	۵۰٪	۱	۱٪	۰	۰٪	۰



تصویر ۳. نمودار درصد فراوانی نقوش تزئینی مساجد خراسان، به تفکیک دوره تاریخی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

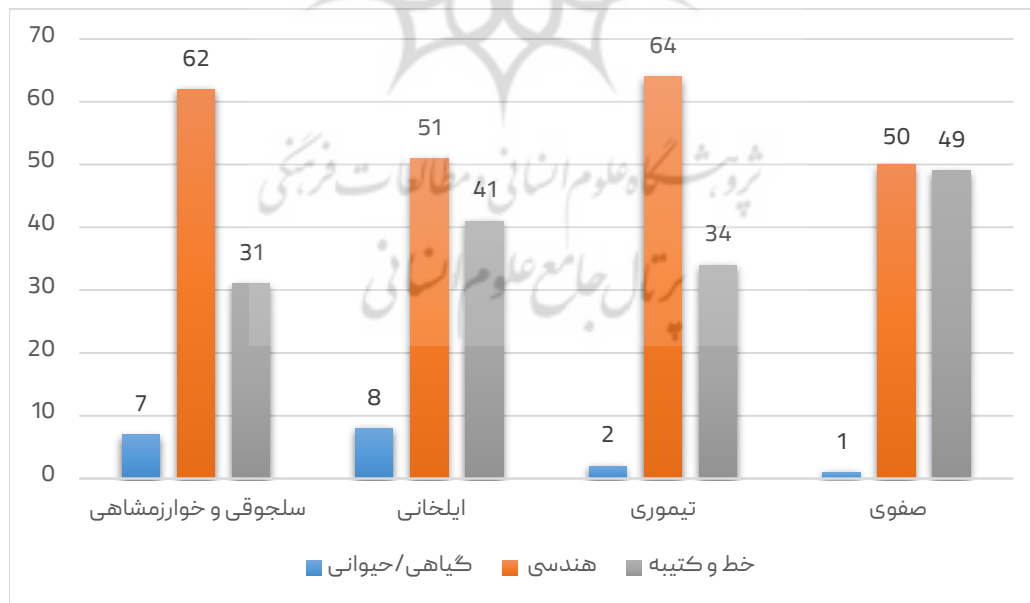
ب. فنون تزئینی

از فنون ساختاری در دوره‌های اولیه به فنون رنگی و نمادین در دوره‌های بعدی، با رونق اقتصادی و نیازهای فرهنگی هم‌خوانی دارد و تنوع در دوره‌ها تطبیق با تغییرات سیاسی و هنری را آشکار می‌کند. در نهایت، در دوره صفوی، شاهد ترکیبی متعادل و چندوجهی از فنون تزئینی هستیم؛ چنان‌که می‌توان گفت که از تمرکز شدید بر یک یا دو فن در دوره‌های آغازین، به تدریج به سوی تعادل و تنوع در بهره‌گیری از همه فنون، حرکت شده است؛ روندی که در دوره صفوی به اوج خود می‌رسد و جایگاه هر عنصر تزئینی به صورت مشخص در ساختار معماری تثبیت می‌شود (جدول ۱۱ و تصویر ۴).

در خصوص فنون تزئینی، آجرکاری کاهش تدریجی را از دوره سلجوقی نشان می‌دهد که بیانگر گذار از فنون ساده و محلی به روش‌های پیچیده‌تر است؛ در حالی که گچ‌بری در ایلخانی به اوج می‌رسد و احتمالاً تحت تأثیرات فرهنگی خارجی برای ایجاد عمق و پیچیدگی داخلی به کار رفته است. کاشی‌کاری افزایش چشمگیری در دوره تیموری دارد که برای افزودن رنگ و نمادگرایی گیاهی مناسب بوده است؛ اما در دوره صفوی اندکی تعدیل می‌شود. سنگ‌کاری در دوره تیموری ظاهر می‌شود و در روزگار صفوی گسترش می‌یابد که نشان‌دهنده پیشرفت فنی و استفاده از مواد مقاوم‌تر برای کتیبه‌ها و نماهاست. این روند کلی

جدول ۱۱. درصد فراوانی فنون تزئینی مساجد خراسان براساس دوره‌های تاریخی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	دوره تاریخی	آجرکاری		کاشی‌کاری		گچ‌کاری		سنگ‌کاری	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱	قبل ایلخانی (سلجوقی / خوارزمشاهی)	۵۵٪	۱۰۳	۱۹٪	۳۵	۲۶٪	۴۹	۰٪	۰
۲	ایلخانی	۲۳٪	۲۲	۵٪	۴	۷۲٪	۶۹	۰٪	۰
۳	تیموری	۱۷٪	۳۵	۳۵٪	۷۳	۴۰٪	۸۲	۸٪	۱۷
۴	صفوی	۲۰٪	۱۶	۲۳٪	۱۸	۳۱٪	۲۵	۲۶٪	۲۱



تصویر ۴. نمودار درصد فراوانی فنون تزئینی مساجد خراسان به تفکیک دوره‌های تاریخی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

میانگین فراوانی نقوش و فنون تزئینی در مساجد، با گذشت زمان، استفاده از نقوش در دوره‌های سلجوقی و خوارزمشاهی،

با تأمل در فراوانی نقوش و فنون تزئینی نمونه‌های مورد مطالعه، یافته جدیدی نیز نمایان می‌شود: کاهش در

زمان را نشان می‌دهد؛ الگویی پایدار در تمامی دوره‌ها، بسیار محسوس در دوره تیموری و ثابت، در دوره صفوی؛ باتوجه به اینکه فراوانی نسبی در دوره صفوی، شامل مساجد جدید و مرمت‌شده است (جدول ۱۲).

با یک افزایش جزئی در دوره ایلخانی، به‌صورت محسوسی در دوره تیموری کمتر می‌شود و در دوره صفوی، تقریباً ثابت می‌ماند؛ باتوجه به اینکه فراوانی نسبی در دوره صفوی، شامل آرایه‌های مساجد جدید و آرایه‌های مرمت‌شده مساجد پیشین است. بررسی میانگین فراوانی فنون، کاهش مستمر در طی

جدول ۱۲. میانگین تعداد نقوش و فنون تزئینی در مساجد خراسان، به‌تفکیک دوره‌های تاریخی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	دوره تاریخی	نقوش	فنون
۱	پیش از ایلخانی (سلجوقی / خوارزمشاهی)	۱۶/۵	۲۱
۲	ایلخانی	۱۷/۵	۱۹
۳	تیموری	۱۲	۱۳
۴	صفوی	۶/۵	۷/۵
۵	صفوی (مرمت‌شده‌ها)	۴/۵	۵/۵

یک هسته مرکزی از عناصر می‌رسند که بیشترین هماهنگی را با ساختار کلی مسجد فراهم می‌کند. چنین الگویی، پیشرفت به‌سمت تمرکز کیفی را برجسته می‌کند؛ آنجاکه کمیت، جای خود را به عمق و دوام می‌دهد.

علاوه بر این، مرمت آثار تزئینی در دوره صفوی، جایی که تقریباً نیمی از آرایه‌های ادوار پیشین، مرمت شده‌اند، لایه‌ای از پیچیدگی بر این تحلیل می‌افزاید. تمرکز بر مرمت، می‌تواند نشان‌دهنده یک تغییر زمانی از نوآوری به پایداری باشد که در آن انرژی هنرمندان و منابع حاکمیت، نه مصروف ایجاد تازه‌ها، بلکه بر تقویت و حفظ موارث موجود متمرکز می‌شوند. چنین رویکردی، احتمالاً از یک دیدگاه عملی ناشی می‌شود؛ با کاهش فراوانی کلی، منابع محدودتر مالی به حفظ کیفیت اختصاص می‌یابند که این امر می‌تواند دوام طولانی‌مدت مساجد را افزایش دهد؛ بنابراین این فرایند کاهش، همراه با تمرکز مرمتی در دوره صفوی، بیانگر نوعی گذار از مرحله تجارب اولیه به پایداری و کارایی است.

الگوی کاهش فراوانی نقوش و فنون، همچنین پیامدهایی همچون افزایش عمق هنری (به جای وسعت) و ایجاد یک هویت تزئینی متمرکزتر را به همراه دارد؛ برای مثال، در ادوار متقدم، تنوع نقوش ممکن است منجر به پراکندگی بصری شود؛ درحالی‌که کاهش، امکان تمرکز بر تعامل عمیق‌تر بین نقش و فضا را فراهم می‌کند. احتمالاً این روند با خطراتی نظیر کاهش خلاقیت نیز همراه بوده است که می‌تواند در مطالعات

نتیجه‌گیری

به‌عنوان نتیجه باید چنین گفت که تزئینات مساجد تاریخی خراسان از دوره سلجوقی تا صفوی، بازتابی از تحولات عمیق در معماری خراسان است. نقوش و فنون تزئینی و سیر تطور آن‌ها در ادوار تاریخی، بسیار مشهود است و نشان از فراز و فرود نقش‌مایه‌ها و شیوه‌های اجرایی تزئینات مساجد دارد. علل این تطور را علاوه بر عواملی همچون فرهنگ خراسان، اقلیم، تحولات اجتماعی، توسعه فناوری و ارتباط با شخصیت پادشاهانی همچون شاه‌رخ (در توسعه کتیبه‌نویسی)، باید در تحول نگاه معماران و حاکمان جست‌وجو کرد. یافته‌های تحقیق در مورد روند کاهش فراوانی نقوش و فنون تزئینی در مساجد خراسان، نشان از یک دیدگاه تحول‌آفرین می‌دهد که هنر را به‌عنوان یک فرایند تکاملی می‌بیند و به نظر می‌رسد که بیانگر یک تحول درونی در رویکردهای هنری است. الگوی کاهش نقوش و فنون در گذار زمان، نشانی از افول نیست؛ بلکه می‌تواند به‌عنوان یک فرایند انتخاب طبیعی در هنر تفسیر شود. در ادوار متقدم (ادوار پیش از ایلخانی) تنوع نقوش برای کاوش و تجربه ایده‌های نوین، ضروری بوده؛ اما با گذشت زمان، تمرکز بر عناصر کارآمدتر و تأثیرگذارتر افزایش یافته است؛ به عبارت بهتر، روند کاهش فراوانی نقوش و فنون در مساجد تاریخی خراسان، طی ادوار تاریخی، می‌تواند حاصل یک سازوکار بهینه‌سازی باشد که در آن، هنرمندان و معماران با حذف نقوش زائد یا کمتر مؤثر، به

و اسنادی پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. همچنین تشابهات و هم‌خوانی کامل در دوره‌بندی تاریخی نقوش و فنون مسجد در هر دو دوره ساخت به چشم می‌آید. سام‌خانپانی و دیگران (۱۴۰۲) کتیبه‌های مسجد جامع قائن را از دوره تیموری تا دوره معاصر بررسی کرده و معتقدند این نقوش در عین دارابودن معانی و نمادهای خاص، متأثر از فرهنگ منطقه، اعتقادات و موقعیت زمانی و مکانی خود هستند. این یافته‌ها، با یافته‌های پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. البته تفاوت‌هایی هم به چشم می‌آید که مربوط به دسته‌بندی این کتیبه‌ها از دوره تیموری تا دوره پهلوی است.

پی‌نوشت‌ها:

1. Oleg Grabar
2. Derek Hill
3. Robert Hillenbrand

منابع و ماخذ

- اسمعیلی جلودار، محمداسماعیل و دیگران (۱۴۰۲). «منظر فرهنگی تون / فردوس در اواخر دوره ساسانی و صدر اسلام براساس تفسیر بافت تاریخی و باستان‌شناختی آن». *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، دوره چهاردهم، شماره ۵۳، صص. ۱-۲۲.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۶۹). *سبک‌شناسی معماری ایرانی*. تدوین غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش.
- حسینی، سیدمحسن (۱۳۹۳). *مساجد تاریخی خراسان*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- راشدنیا، زهرا؛ صالحی کاخکی، احمد (۱۴۰۲). «وارسی محراب‌های گچ‌بری مسجد کرمانی تربت‌جام و تاریخ‌گذاری آن‌ها». *هنرهای صناعی خراسان بزرگ*، دوره یکم، شماره ۴، صص. ۱-۲۲.
- زمانی، محبوبه؛ اکبری، امیر (۱۴۰۲). «ساختارمندی معماری مساجد سنتی خراسان بزرگ در تمدن اسلامی برمبنای تحلیل عوالم سه‌گانه در عصر سلجوقیان تا صفویان (قرن ششم تا یازدهم)». *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال چهاردهم، شماره ۵۲، صص. ۱۱۱-۱۳۶.
- زینلیان، مریم؛ وثیق، بهزاد؛ مظهری، محمدابراهیم (۱۴۰۳).

آینده با بررسی جنبه‌های کیفی (مانند شدت تأثیر هر نقش) بیشتر کاوش شود. درنهایت، نتیجه پژوهش، این تحقیق را از یک بررسی تاریخی ساده به یک تحلیل پویا تبدیل کرده است و نشان می‌دهد که هنر تزئینی مساجد، همچون یک سیستم زنده، در طول زمان، خود را با همه موضوعات جانبی و مرتبط، تطبیق می‌دهد تا به تعادل برسد.

مطالعه انجام‌شده در پاسخ به پرسش نخست که به فراوانی نقوش تزئینی در مساجد خراسان نظر دارد، دریافته است که در تمام دوره‌ها، نقوش هندسی بیشترین فراوانی را داشته و همواره نقش غالب بوده‌اند. خط و کتیبه نیز در تمام دوره‌ها به‌عنوان نقش مکمل حضور داشته‌اند. نقوش گیاهی بسیار کم مورد استفاده قرار گرفته و به‌مرور، به حداقل رسیده‌اند؛ درحالی‌که نقوش انسانی کاملاً غایب هستند. در دوره ایلخانی، نزدیک‌ترین فراوانی بین نقوش هندسی و کتیبه به چشم می‌آید؛ اما در دوره صفوی، تعادل کامل بین نقوش برقرار است.

در پاسخ به پرسش دوم، که از فنون اجرایی و فراوانی آن‌ها می‌پرسد، این نتیجه حاصل شده است که فنون تزئینی در ادوار مختلف تاریخی تحول یافته‌اند؛ آجرکاری در دوره سلجوقی و گچ‌بری در دوره ایلخانی، فنون غالب بوده‌اند؛ درحالی‌که در دوره‌های تیموری و صفوی، همه فنون تقریباً به یک میزان مورد اقبال معماران بوده‌اند. کاشی‌کاری در دوره تیموری اوج گرفت و سنگ‌کاری، هم‌زمان با کاهش محسوس آجرکاری و گچ‌بری، خود را به‌عنوان فن جدید تزئینی معرفی کرد. در دوره صفوی، گسترش استفاده از سنگ در تزئینات، تعادلی نسبی را در بهره‌گیری از فنون مختلف رقم زد.

نتایج تحقیق درقیاس با سایر پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهند که کاظم‌پور و دیگران (۱۴۰۲) معتقدند که آجرکاری در دوره‌های سلجوقی و خوارزمشاهی به اوج خود رسیده است. همچنین معتقدند که پراکندگی نقوش آجری، بیشتر در دو ایوان مسجد ملک‌زوزن خلاصه می‌شود که هر دو این موارد با مطالعات میدانی پژوهش حاضر هم‌خوانی دارند. منصور و دیگران (۱۴۰۰) معتقدند که مسجد فرومد در ابتدا در دوره سلجوقی یا پیش از آن ساخته شده و در دوره ایلخانی مورد بازسازی و تزئین مجدد قرار گرفته است که با مطالعات تاریخی

- «سیر تحول کالبدی-فضایی آرامگاه-مسجد در خراسان بزرگ».
- پژوهشنامه خراسان بزرگ، دوره پانزدهم، شماره ۵۶، صص. ۱-۲۷.
- سام خانیانی، علی اکبر و دیگران (۱۴۰۲). «معرفی و تحلیل کتیبه‌های مسجد جامع قائن». *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، سال هجدهم، شماره ۲، صص. ۵۳-۹۴.
- شیخی، علیرضا؛ خلوصی‌راد، زینب (۱۳۹۸). «مطالعه کتیبه‌ها و آرایه‌های تزئینی مسجد جامع خوارزمشاهی گناباد». *هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، دوره بیست و چهارم، شماره ۳، صص. ۷۷-۸۹.
- صابر مقدم، فرامرز (۱۴۰۱). «واکاوی کتیبه نویافته مسجد کرمانی (مجموعه آرامگاهی شیخ احمد جام)». در *مفاخر میراث فرهنگی ایران* (۶)، به کوشش رایت منصور، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. صص. ۴۴۵-۴۷۵.
- طبسی، محسن؛ موسوی، سپیده (۱۳۹۵). «سیر تداوم مفهومی عدل و امامت در نقوش تزئینی معماری دوره تیموری و صفوی؛ با تأکید بر نقوش مسجد گوهرشاد مشهد و مسجد امام اصفهان». *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، دوره هفتم، شماره ۲۵، صص. ۷۳-۸۸.
- فرامرزی، مانا؛ نامی، حسن؛ مسجیدی خاک، پرستو (۱۳۹۹). «بررسی کتیبه‌های حکومتی شمال شرق ایران در دوره صفوی با تأکید بر موضوعات اجتماعی و اقتصادی (مطالعه موردی: نیشابور، سبزوار، تربت جام و مشهد)». *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، دوره دهم، شماره ۴۱، صص. ۳۵-۵۶.
- کاظم‌پور، مهدی؛ اکبری، رضا؛ عبداللهی‌فرد، ابوالفضل (۱۴۰۲). «مطالعه و واکاوی نقش‌مایه‌های آجری در مسجد-مدرسه ملک‌زوزن شهرستان خواف». *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، دوره چهاردهم، شماره ۵۰، صص. ۹۱-۱۲۴.
- کاکوئی، فهیمه؛ حاج‌محمدحسینی، همایون (۱۴۰۲). «تحلیل موازین خوش‌نویسی در کتیبه کوفی تزئینی مسجد گنبد سنگان». *ششمین کنفرانس بین‌المللی و هفتمین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری، هنر و طراحی شهری*، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۷). *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*. تهران: سمت.
- لباف خانیکی، رجبعلی؛ صابر مقدم، فرامرز (۱۳۸۵). *مساجد خراسان: از آغاز تا دوران معاصر*. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- منصوری، کاوه؛ پارسی، فرامرز؛ رحیمی کلهرودی، فرشید (۱۴۰۰). «سیر تحول مسجد جامع فرومد با تأکید بر افزوده‌های دوره ایلخانی». *معماری ایرانی*، سال دهم، شماره ۱۹، صص. ۹۱-۱۲۴.
- Baer, Eva. (1992). *Islamic Ornament*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Blair, Sheila S. (2006). *Islamic Calligraphy*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Ettinghausen, Richard & Grabar, Oleg. (1987). *The Art and Architecture of Islam 650-1250*. Harmondsworth: Penguin Books.
- Golombek, Lisa. (1995). *The Timurid Architecture of Iran and Turan*. Princeton: Princeton University Press.
- Grabar, Oleg. (1973). *The Formation of Islamic Art*. (Revised and Enlarged Edition). New Haven: Yale University Press.
- Hill, Derek. (1976). *Islamic Architecture and its Decoration*. London: Faber & Faber.
- Hillenbrand, Robert. (1994). *Islamic Architecture: Form, Function, and Meaning*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Melville, Charles (Ed.). (2020). *Safavid Persia in the Age of Empires (The Idea of Iran, Vol. X)*. London: I.B. Tauris.
- Necipoğlu, Gülru. (1995). *The Topkapi Scroll: Geometry and Ornament in Islamic Architecture*. Santa Monica: Getty Center for the History of Art and the Humanities.
- O'Kane, Bernard. (2006). *Timurid Architecture in Khorasan*. Costa Mesa: Mazda Publishers.

The Evolution of Motifs and Techniques of Architectural Ornaments in the Historical Mosques of Khorasan; From the Seljuk to the Safavid Period

Mohsen Tabassi¹, Behzad Zareei¹

1- Associate Professor, Department of Architecture, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
(Corresponding Author)

2- Ph.D. Student, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran.

DOI: 10.22077/NIA.2026.10201.1997

Abstract

Architectural decorative motifs and their executive techniques in mosques, in general and particularly in the historical mosques of Khorasan, have not only served an aesthetic function but have also played a significant role in conveying sacred and spiritual concepts. However, few comprehensive and periodized studies have undertaken a comparative analysis of the evolutionary trajectory of these decorative motifs and techniques within the context of historical developments. This research aims to analyze the course of this evolution in the architectural ornamentation of Khorasan's mosques from the Seljuk to the Safavid period, seeking to identify the predominant motifs in each era and elucidate their relationship with contemporary executive techniques. Accordingly, two primary research questions have been formulated: First, which motifs exhibited the highest prevalence in the mosques of Khorasan across different historical periods? And second, what were the executive techniques employed in the ornamental features of these mosques, and what was the distribution of their usage? The present study proceeds from the premise that each historical period, influenced by its specific conditions, presented distinct repertoires of motifs and techniques, thereby engendering either an evolutionary or a transformative trend in mosque decoration. The research methodology is historical-analytical, with data gathered through documentary study, field surveys, and analysis of extant artifacts. From a total of 55 identified mosques, a sample of 32 mosques was selected, classified, and analyzed according to four historical periods. The findings indicate that geometric patterns and epigraphic bands (inscriptions) were prominently present throughout all periods, with nearly all decorative motifs falling into these two categories; although geometric motifs consistently maintained a position of decorative dominance. Specifically, geometric patterns were the predominant decorative element during the Seljuk and Khwarazmian periods. In the Ilkhanid period, the prevalence of inscriptions increased, approaching that of geometric motifs. During the Timurid era, the use of geometric motifs surged once again to its peak. In the Safavid period, given the relatively equal utilization of various decorative motifs, no single dominant motif is distinctly observable. From the perspective of executive techniques for ornamentation, the results demonstrate variations in the extent of usage for brickwork, stucco carving, tilework, and stone masonry across different eras. Brickwork was the predominant technique in the Seljuk and Khwarazmian periods. Stucco carving gained prominence during the Ilkhanid period. In the Timurid era, the techniques of stucco carving and tilework were the most recurrent ornaments in Khorasan's mosques. Furthermore, during this period, stone masonry emerged as a novel decorative technique, acquiring a distinct status which, by the Safavid period, established itself as a frequently employed ornament. In the Safavid period, due to the concurrent application of all executive techniques, no single dominant technique is markedly evident.

Key words: Architectural Ornaments, Decorative Motifs, Decorative Techniques, Khorasan, Historical Mosques.

1- Email: mohsentabassi48@iau.ac.ir

2- Email: behzad.zareei59@gmail.com

(Date Received: 2025 /10/04 - Date Accepted: 2026/01/06)